

بازهم سخنی

با کارگران

پروژه ای

نفت

////////////////////

کارگران ضد سرمایه داری / شهریور ۱۴۰۱

////////////////////////////////////

مبارزات کارگران پیمانی نفت از چند سال پیش تا حال در فاصله میان خوزستان تا بندرعباس، همچنان پیروزمندانه در غلیان و جوشش است. ما بارها نکات ارزنده و درس آموز این جنبش را برشمرده ایم. اشاره داشتیم که این اعتصابات مثل زنجیره عظیم اعتصابات طبقه کارگر ایران بساط دخیل بندی به قانون، آویختن به احزاب و فرو رفتن در باتلاق سندیکاسازی را کنار نهاد. پروسه تدارک و انجام همه امور مربوط به این مبارزات را با همدلی، همفکری یا در واقع شورائی، پیش برد. اعلام کرد که مبارزات ما هنوز پایان پذیرفته است. متحد و تهاجمی به جلو شتافت. حمایت از اعتصابات کارگران رسمی را دستور کار قرار داد و بسیاری نکات ارزنده دیگر را با خود حمل نمود.

اما به عنوان تعدادی کارگر ضد سرمایه داری، همدرد و هم‌رزم، مسؤلانه و رفقانه، نقدهای خود بر کاستی‌ها و نقاط ضعف این جنبش را هم مطرح کردیم. در این راستا متذکر شدیم:

۱- سرمایه داران تمامی توان خود را به کار می‌گیرند تا قبول همه یا برخی مطالبات را به جمعیت هر چه کمتری محدود کنند، به ویژه کارگران ساده را از دایره حصول خواسته‌ها بیرون اندازند. انتظار از شورای اعتصاب آنست که در مورد وفاداری به این آسیب پذیرترین لایه طبقه خود، با صراحت بیشتری سخن بگوید.

شورای می‌گوید: به دنبال توافق بین کارگران و کارفرمایان در چند شرکت پیمانکاری مهم هستند که می‌تواند مبنایی برای مذاکرات در شرکت‌های دیگر باشد. در این



مورد باید دقت کرد. هر تعداد کارگر در هر محل کار باید بدون هیچ تخفیفی حول «مطالبات مشترک» با صاحبان سرمایه وارد مذاکره و تنظیم قرارداد شوند. در غیر این صورت اعتصاب سراسری معنا ندارد. اگر چنین نشود چرا وحوش سرمایه دار کمترین وقعی به خواسته های هزاران کارگر بدون تخصص بگذارند، چرا همه آنها را تسلیم تیغ اخراج نسازند؟!

۲- شورا اصرار دارد که دولت باید ناظر و ضامن اجرای توافقات باشد!! دولتها اساساً و در واقع کارگزار سرمایه می باشند. مبارزه با کل ساختار قدرت سرمایه، جزء تعیین کننده ای از روند پیکار طبقاتی ما است. باید خواستار قطع دخالت حکومت در امور مبارزه و سازمانیابی طبقه خود شویم و با تمامی قوا از این دخالت جلوگیری نماییم. یگانه نیروی تضمین کننده هر پیروزی، فقط و فقط قدرت متحد و شورائی کارگران است.

۳- رفقای کارگر بخش پیمانی شرکت نفت، خود را از دهها میلیون نفوس توده های طبقه خود جدا می کنند. طوری سخن می گویند که گویا مزدهای محقر، شرایط کار غیر انسانی، فقدان ایمنی محیط کار، فشار خرد کننده استثمار، نه پدیده سراسری زندگی کل کارگران بلکه ویژه چند ده هزار کارگر نفت می باشد. فقط شما در حال اعتصاب نیستید. در جهنم سرمایه داری ایران هر روز دهها و هر سال چندین هزار اعتصاب از سوی کارگران همزنجیر با همین خواست ها اتفاق می افتد. چرا پای پیش نمی گذارید و دست به کار تلاش نقشه مند برای ارتباط گیری با میلیونها کارگر در حال پیکار در سراسر ایران نمی گردید؟!

۴- شما به گونه ای بسیار نادرست می گوئید که صنعت نفت یک بخش بزرگ و سودآور است و بر همین مبنا حق ماست که مزد مکفی و شرایط کار مناسب داشته باشیم. مگر سایر حوزه های کار و تولید سرمایه داری سودآور نیستند؟! مگر آنها کمتر از شما استثمار می شوند؟! کمتر از شما فرسوده و هلاک می گردند؟! مزد، قطره ناچیزی از رود پر خروش ارزش ها و اضافه ارزشهائی است که طبقه کارگر تولید می کند. به عنوان بخش رزمنده طبقه کارگر خواستار خارج سازی کل حاصل کار و تولید طبقه خویش از چنگال سرمایه باشید. بر خواست های مشترک کل طبقه پای بفشارید و فریاد زنید: محصول کار و تولید اجتماعی دهها هزار تریلیونی ما باید صرف معیشت مرفه همه افراد جامعه اعم از شاغل، بیکار یا بازنشسته گردد. دارو، درمان، آموزش از مهد کودک تا دانشگاه، ایاب و ذهاب، بهترین شکل نگهداری از کودکان، سالمندان، معلولان، آب، برق، گاز، خوراک و پوشاک، مسکن، وسایل خانه، تلفن، اینترنت، همه و همه باید به طور کامل از سیطره خرید و فروش خارج و رایگان گردد.